

نگاه

بررسی ریشه‌های فرزند کشی



حافظ باخشی، روائت‌رَشک

● کودکان بیشتر در کجا کشته می‌شوند؟ در نزاع‌های خیابانی یا در خانه؟ واقعیت این است که بیش از ۴۰ درصد قتل‌های کودکان در خانه و توسط پدر، مادر، نابدری یا ناملاری صورت می‌گیرد. احتمال کشته‌شدن فرزندخوانده‌ها توسط نابدری یا ناملاری دوبرابر فرزندان واقعی است و البته بیشترین میزان شیوع این جرم در بین نابدری‌هاست. بیشتر کودکان پس از جدایی والدین ترجیح می‌دهند با مادرشان زندگی کنند. با اینکه زندگی با مادر، حمایت عاطفی بیشتری را برای کودکان فراهم می‌کند ولی این پیامد را هم دارد که در صورت ازدواج مادر، زندگی با نابدری پرخطرتر از زندگی با ناملاری باشد. برای تصمیم‌گیری برای حضانت فرزند باید در نظر داشت زندگی با مادر به احتمال زیادی یعنی زندگی با (مادر-نابدری) و زندگی با پدر یعنی زندگی با (پدر-ناملاری) در ادبیات جرم‌شناسی دو مطالعه بزرگ و جامع با وجود دارد که یافته‌ها تحلیل‌های معتبر، دقیق و قابل‌استنادی دارند. یکی از این مطالعات در سوئد، بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ توسط Somander و همکاران روی فرزندکشی انجام شده و دیگری تحت‌عنوان «قتل در مطالعه انگلستان» در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ توسط Lewis و همکاران صورت گرفته‌است. متأسفانه در جامعه ما هنوز مطالعه جامعی روی فرزندکشی انجام نگرفته‌است. هرچند با در نظر گرفتن خطای مربوط به تفاوت‌های فرهنگی، یافته‌های این مطالعات تا حد زیادی قابل تعمیم به جامعه ما هم هست. بیشتر کودکانی که

در خانه به قتل می‌رسند کمتر از یک سال دارند. بیش از نیمی از موارد فرزندکشی نه با انگیزه قتل، بلکه به‌عنوان تنبیه فرزند و تحمل‌نکردن گریه‌کردن‌های مداوم او بوده که به صورت اهمیت‌ندان، عدم تغذیه کودک، کتک‌زدن یا تکان دادن شدید او صورت گرفته‌است. البته در مواردی هم که «قصد قتل» وجود دارد بسیاری از اوقات انگیزه قتل، خود کودک نیست در واقع کودک قربانی خشم پدر نسبت به مادر می‌شود. بیشترین انگیزه قتل توسط پدران ختم یا حسادت بیمارگونه نسبت به مادر است که این ختم به سمت کودک «به‌لحاظ» شده‌است. گاهی هم خشم مستقیم به خود فرزند است که بیشترین علت آن حسادت و خشم نسبت به موجودی است که تمام توجه مادر را به خود معطوف کرده‌است. در موارد کمی هم قتل از روی ترحم صورت می‌گیرد که بیشتر در مورد کودکانی است که بیماری‌های شدید و ناتوان‌کننده دارند. کسانی که مرتکب «قتل از روی ترحم» می‌شوند کمتر از سایر موارد قتل، بیماری روانی دارند و بیشتر این کار به دیدگاه آنها و جنبه‌های فرهنگی برمی‌گردد. پسران بیشتر از دختران، قربانی فرزندکشی می‌شوند. البته پسران بیشتر توسط پدر، و دختران بیشتر توسط مادر به قتل می‌رسند. بیشتر فرزندانِی که کشته می‌شوند قبل از آن مورد آزار جسمی توسط قاتل قرار گرفته‌اند. فقر، بیکاری، تحصیلات پایین، سوءمصرف مواد و به ویژه کم‌کاری مانند شیشه و بیماری‌های روانی از عوامل خطر فرزندکشی هستند.شایع‌ترین اختلال روانی در این افراد، افسردگی و اسکیزوفرنیاست. حدود یک سوم آنها در زمان قتل با تعریف روانپزشکی، جنون داشته و مسوول اعمال خود نبوده‌اند. فرزندکشی معمولاً به فرزندکشی ختم نمی‌شود. در ۲۰درصد موارد به دنبال آن همسرکشی هم صورت می‌گیرد

و در بیش از ۸۰ درصد موارد اقدام به خودکشی قاتل را در پی دارد. احتمال خودکشی در مواردی که قاتل بیشر از یک فرزندش را کشته باشد، بیشتر می‌شود. برای پیگیری‌اش از فرزندکشی لازم است موارد پرخطر بررسی شود و اقدامات لازم که متهم‌ترین آن درمان بیماران روانی است انجام پذیرد. یکی از ضعف‌های طبابت روانپزشکی در جامعه ما کم اهمیت دادن و به شکلی، انکار پدیده فرزندکشی است. روانپزشکان در ویزیت بیماران افکار خودکشی را جدی می‌گیرند، به خوبی ارزیابی خطر می‌کنند و پیگیری متناسبی را روی آن انجام می‌دهند ولی توجه بسیار کمی به افکار «دیگرکشی» به‌ویژه همسرکشی و فرزندکشی می‌شود. از طرف دیگر به دلیل ضعف نظام مددکاری اجتماعی در جامعه ما کشف موارد پرخطر را طرف روانپزشک شاید کمک زیادی نکند. نظام مددکاری اجتماعی قوی می‌تواند، فرزند را در موارد پرخطر از خانواده دور کند و او را پس از درمان کامل والدین به خانواده‌اش برگرداند. برای حل هر مشکل اجتماعی، در قدم اول باید آن مشکل توسط متخصصان به رسمیت شناخته و جدی گرفته شود. امید است که با اهمیت‌دادن به مددکاری اجتماعی و ادغام موثرتر آن با نظام‌های روانپزشکی و روانشناسی، از مشکلات سلامت روان جامعه ما کاسته شود.

حادثه

داماد، قاتل مادرزن را معرفی کرد

● **شرق:** داماد جوان که برای سرقت از مادرزنش آدم اجیر کرده بود، وقتی فهیمد مرد سارق مادرزنش را به قتل رسانده است راز این سرقت خونین را فاش کرد. به گزارش خبرنگار ما، گزارش این سرقت خونین ششت خرداد سال‌جاری به مأموران داده شد. در آن روز اهالی خیابانی در گاندی متوجه شلیک چندین گلوله شدند. آنها با ورود به خانه مادر و دختری که تنها زندگی می‌کردند متوجه شدند هردوی آنها مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند و بی‌هوش هستند. زمانی که دو قربانی به بیمارستان منتقل شدند زن میانسال درجا جان باخت اما دخترش که به شدت آسیب دیده بود از مرگ نجات پیدا کرد. او در تحقیقات به مأموران گفت مردی را دیده که شبانه وارد خانه‌شان شده و به آنها شلیک کرده‌است. در تحقیقات داماد خانواده اعتراف کرد برای سرقت از خانه مادرزنش چنین نقشی‌ای را طراحی کرده بود و قرار بود سارق اجیرشده فقط اقدام به سرقت کند و نمی‌داند چرا دست به این قتل زده‌است. مأموران بعد از شنیدن این اعترافات متهم را دستگیر کردند.

حوادث

قتل زن معتاد بعد از زورگیری ۳هزارتومانی

متهم مدعی شد بر سر تقسیم پول مسروقه با مقتول در گیر شد



بیمارستان بیرند اما او را کشتند به همین دلیل هم گذشت نمی‌کنیم. در ادامه قاضی عزیزمحمدی-رییس دادگاه- سیامک متهم ردیف اول پرونده را به جایگاه فراخواند و بعد از تفهیم اتهام قتل و سرقت، از او خواست تا شریک بودن تا قصاص نشوی ولی در واقع او در این قتل نقشی نداشت. سیامک درباره سوابقش نیز گفت: به جرم سرقت به عتف به ۹سال حبس محکوم شدم سه‌سالش را گذرانده بودم و بعد با وثیقه آزاد شدم از آنجایی که رای قطعی نشده بودم آزادم کردند بعد هم به دلیل قتل بازداشتم کردند. در ادامه هائشم در جایگاه حاضر شد. او اتهام مباشرت در قتل را قبول نکرد و گفت: من می‌خواستم به سیامک کمک کنم به همین دلیل هم اتهام را قبول کردم درحالی‌که واقعا این کار را نکرده بودم. گفته‌های سیامک کاملا درست است. سیاس سمتهم دیگر در جایگاه حاضر شدند و از خود دفاع کردند. بعد از پایان جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

تهدید به خودکشی قاتل در حلقه محاصره پلیس

متهم مدعی است مقتول به قصد سرقت وارد محل نگهدانی او شده بود



من هیچ نقشی در مرگ احمد نداشت‌م و او به دلیل زین‌خوردن فوت کرد.» پزشکی قانونی برخلاف ادعای متهم اعلام کرد مقتول بر اثر واردشدن ضربات جسم تیز و برنده جان باخته است. پیش از این مأموران کلانتری نیز متهم را به همراه چاقوی خون‌آلود دستگیر کرده بودند. کارآگاهان با وجود این مدارک به محل جنایت رفتند و به تحقیق از شاهدان پرداختند.

تمامی شاهدان عنوان کردند متهم را در حالی‌که روی سینه مقتول نشسته بود، در حال زدن ضربات چاقو به بدن مقتول مشاهده کرده‌اند. یکی از این افراد گفت: «وقتی صدای داد و فریاد شنیدم از پنجره داخل کوچه را نگاه کردم. اول چیزی

جنایت برای جلوگیری از افشای رابطه پنهانی

ندارم که بدهم. در این هنگام یکی از قضات از متهم خواست با توجه به اینکه ممکن است این دادگاه آخرین جایی باشد که او می‌تواند در برابر قضات صحبت کند، به مورد آنچه اتفاق افتاده است، توضیح بدهد. متهم گفت: هرآنچه اتفاق افتاده را قبول دارم و هر چه باید می‌گفتم در دادسرا گفتم. من نمی‌خوستم این اتفاق بیفتد به همین خاطر هم وقتی او به قتل رسید من در مراسم ختمش حاضر شدم و تاجایی که می‌توانستم کار کردم و از خدا طلب بخشش کردم. به خاطر اتفاقاتی که افتاده است پشیمان هستم و با خدای خودم در این‌باره صحبت کردم. در این هنگام شوهر مقتول از دادگاه اجازه خواست به دلیل اینکه تحمل شنیدن برخی مسایل را ندارد از دادگاه خارج شود که قضات موافقت کردند. سپس وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد، او گفت: آنطور که موکلم در دادسرا توضیح داده است او با زنی به نام شیمایا رابطه زمین می‌خورد و سررش به گوش‌کوب بر خوردم می‌کند، و

نگار به ستاره گفت هرچه سریع‌تر خانه را ترک کند. من و هاشم جیب‌های پسر جوان را گشتیم و او را تهدید کردیم که در برابرمان مقاومت نکند. پسر جوان که رضا نام دارد، ترسیده بود و هیچ چیز نگفت. تمام پولی که در جیب‌های آن پسر بود سه‌هزار تومان بود پول‌ها را برداشتیم و پسر جوان را رها کردیم، وقتی او رفت نگار از من خواست پول‌ها را بدهم من هم سه‌هزار تومان را به او دادم اما نگار عصبانی شد و گفت این پول به دردش نمی‌خورد و باید یک‌میلیون تومانی را که از رضا گرفتیم، بدهیم من هرچه به او گفتم ما پولی نگرفتیم قبول نمی‌کرد. او توهم داشت و خیال می‌کرد می‌خواهم سرش کلاه بگذارم. به من فحش داد، چیزی نگفتم، می‌دانست نسبت به خواهر کوچکم خیلی حساس هستم به همین دلیل هم به او فحش داد خیلی حرف‌های زشتی در مورد او می‌زد. خیلی عصبی شدم. مشتی به صورتش زدم وقتی زمین افتاد روسری‌اش را برداشتم و دور گردنش پیچیدم و خفاش کردم.

متهم در مورد نقش دوستش هاشم گفت: وقتی نگار را کشتم، دوستم هاشم آنجا بود به من گفت اگر بازداشت شدیم من می‌گویم با تو در قتل شریک بودم تا قصاص نشوی ولی در واقع او در این قتل نقشی نداشت. سیامک درباره سوابقش نیز گفت: به جرم سرقت به عتف به ۹سال حبس محکوم شدم سه‌سالش را گذرانده بودم و بعد با وثیقه آزاد شدم از آنجایی که رای قطعی نشده بودم آزادم کردند بعد هم به دلیل قتل بازداشتم کردند. در ادامه هائشم در جایگاه حاضر شد. او اتهام مباشرت در قتل را قبول نکرد و گفت: من می‌خواستم به سیامک کمک کنم به همین دلیل هم اتهام را قبول کردم درحالی‌که واقعا این کار را نکرده بودم. گفته‌های سیامک کاملا درست است. سیاس سمتهم دیگر در جایگاه حاضر شدند و از خود دفاع کردند. بعد از پایان جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

نیمه‌شب، مقتول به همراه دو نفر دیگر از دوستانش در پشت ساختمان در حال خوردن مشروب و کشیدن حشیش بود. به آنها نزدیک شدم و سیگار و مشروب از مقتول گرفتم بعد آنجا را ترک کردم و به محل نگهدانی خودم برگشتم.» متهم در ادامه گفت: «خودرو نیسان مقتول در کوچه پارک بود. قبلا دیده‌بودم مقتول اهن‌آلات ساختمان‌های تخریب شده و در حال ساخت را سرقت می‌کند. حدود ساعت پنج بود که مقتول همراه دوستانش وارد ساختمان شد. من فریاد زدم «زد-زد» اما کسی نبود که کمک کند. مقتول شروع به فحاشی کرد و قصد داشت مرا ساکت کند. او با لیوان، ضربه‌ای را به سرم کوبید. با هم در گیر شدیم و من با چاقویی که همراه بودی را او تهدید کردم و مقتول از ساختمان فرار کرد. او را دنبال کردم و در حالی‌که او در کوچه روی زمین افتاده بود، روی سینه‌اش نشستم و با چاقو چندین ضربه به بدنش زدم.» سرهنگ کارآگاه آرای‌حاجی‌زاده، مدعی این مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تایید این خبر گفت: «خودرو نیسان متعلق به مقتول در نزدیکی محل جنایت کشف و از سویی نتیجه تست الکل در خون متهم مثبت اعلام شد.»

از حال می‌رود و بعد هم آرش او را با روسری خفه می‌کند؛ از سوی دیگر متهم اقدام به آتش‌زدن اتاق مقتول می‌کند و شیر گاز را هم باز می‌کند تا گاز، خانه را منفجر کند. البته آنطور که موکل توضیح داده فرزند سه‌ساله مقتول هم در خانه بود و زمان قتل شام می‌خورد. به‌خاطر آتش‌سوزی که به پا شد همسایه‌ها بلافاصله آتش‌نشانی را خبر کردند و پسرچیه سه‌ساله را نجات دادند. موکل من از کرده خود به‌شدت پشیمان است و به‌همین خاطر هم نتوانست آنچه را که اتفاق افتاده است توضیح بدهد. آرش برای اینکه نمی‌خواست راز زندگی‌اش بر ملا شود، دست به چنین جنایتی زد. او با اولیای‌دم رابطه فامیلی دارد و با شوهر مقتول نیز رابطه دوستانه‌ای داشت و با هم کار می‌کردند. او قصد برهم زدن زندگی دوستس را نداشت به همین دلیل هم نتوانست موضوع رابطه مقتول با مرد دیگری را برملا کند. من غم اولیای‌دم را درک می‌کنم اما درخواست دارم با توجه به وضعیت موجود و درصورتی‌که امکان دارد گذشت کنند. در پایان هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شده



شرق: نوزاد پسر با کمک تکنیسین‌های اورژانس تهران در منزل به دنیا آمد. تکنیسین‌های اورژانس وقتی در جریان زایمان نابهنگام زنی قرار گرفتند، راهی خانه او در منطقه صعب‌العبور فشم شدند و پس از طی مسیری سخت، به این زن که قادر به حرکت نبود و نمی‌شد وی را به بیمارستان منتقل کرد، کمک کردند و سرانجام این زن نوزاد پسری را به دنیا آورد. سپس مادر و فرزند برای معاینات بیشتر به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شدند و حال عمومی آنها مساعد گزارش شد.

عکس:نروابطعمومی اورژانس تهران

رخداد

کلاهبردار ۲میلیاردتومانی به دام افتاد



● **شرق:** جوانی که به امید یافتن کار به تهران مهاجرت کرده بود، کلاهبرداری را پیشه کرد و بعد از به جنگ آوردن دومیلیاردتومان به دام افتاد. به گزارش خبرنگار ما چند نفر اول تیر سال گذشته با مراجعه به کلانتری جنت‌آباد به مأموران اعلام کردند توسط مالک جوان مغازه سوپرگوشت واقع در منطقه جنت‌آباد مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند. آنها توضیح دادند کیوان در چندین معامله اول، به صورت نقدی از آنها گوشت مرغ خرید اما پس از گذشت حدودا دو ماه، در معامله‌ها به جای پول نقد، چک تحویل می‌داد و در نهایت معلوم شد همه چک‌ها یا جعلی یا مسروقه‌است. کارآگاهان بعد از اطلاع از جزئیات کلاهبرداری با مراجعه به مغازه سوپرگوشت مالک اصلی آن را شناسایی و اطلاع پیدا کردند این مغازه دو ماه پیش و توسط فردی که خود را با نام «مهدی علیخانی» معرفی کرده، اجاره شده بود. تصاویر به‌دست‌آمده از مهدی علیخانی به رویت مالباشتگان رسید و همگی، صاحب عکس را به نام کیوان مورد شناسایی قرار دادند. کارآگاهان در ادامه رسیدگی به

پرونده، موفق به شناسایی مالباشتگان دیگری شدند که آنها نیز به همین شیوه مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند. مالباشتگان اخیر با کیوان به‌عنوان مالک سوپرگوشت در خیابان جمال‌زاده مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند. تحقیقات پلیسی فاش کرد متهم برای جلب اعتماد طمعه‌های خود سا خودروهای مدل بالای چنددهمیلیون تومانی از قبیل بی‌ام‌و R8، آئودی مدل R8، ماکسیما، پورشه پارامرا و... به کشتار گاه‌ها رفت‌وآمد می‌کرد. همزمان با شناسایی خودروهای مورد استفاده توسط کیوان، فاش شد متهم با همین اتومبیل‌ها چندین زن و دختر جوان را فریب داده و بعد از سوءاستفاده از آن فراری شده است. مأموران پی بردند کیوان این خودروها را پس از استفاده کوتامتد فروخته‌است. کارآگاهان در ادامه ضمن شناسایی تعدادی از مخفیگاه‌های متهم در قزوین، نمک‌آبرود و... فهمیدند نام واقعی این شیاد ۲۸ساله حسین است و خانواده‌اش در شمال کشور سکونت دارند اما متهم از حدود ۱۰ سال پیش به بهانه پیدا کردن کار به تهران مراجعه و از آن زمان ارتباط خود با اعضای خانواده را قطع کرده‌است. در شرایطی که با شناسایی مالباشتگان جدید، هر روز به ارزش مالی پرونده افزوده می‌شد و رقم کلاهبرداری‌شده به بیش از دومیلیاردتومان رسیده بود، کارآگاهان آخرین خودرو سواری متهم را که بی‌ام‌و مدل I ۲۶۰۰ بود، شناسایی کردند و فهمیدند حسین با استفاده از آن اقدام‌به کلاهبرداری ۵۰۰میلیون تومانی کرده‌است. به این ترتیب مشخصات خودرو به همراه دستور توقیف خودرو و سرنشین آن در اختیار تمامی واحدهای گشت پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و سرانجام خودرو موردنظر، در فلکه اول تهرانپارس شناسایی و متهم دستگیر شد. حسین پس از دستگیری توسط تمامی مالباشتگان مورد شناسایی قرار گرفت و به ده‌ها فقره کلاهبرداری اعتراف کرد. او گفت: «زمانی که‌برای کار به تهران آمدم، مدتی را در کشتارگاه‌ها به‌عنوان کارگر مشغول به کار بودم و به همین علت از شیوه و شگرد و نحوه فروش گوشت در بازار و سطح شهر تهران اطلاع کامل داشتم تا اینکه از حدود پنج‌سال پیش تصمیم گرفتم تا بااستفاده از این اطلاعات، اقدام به کلاهبرداری کنم.» سرهنگ کارآگاه محمدرضا ذاکر استقامتی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعتراضات صریح متهم مبنی بر ارتکاب ده‌ها فقره کلاهبرداری و احتمال ارتکاب دیگر جرایم، مجوز انتشار تصویر متهم از سوی مقام قضایی صادر شده است؛ بنابراین از تمامی شکات و مالباشتگانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند دعوت می‌شود برای طرح و پیگیری شکایات خود به اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.»

بریده اخبار

● **مشاجره لفظی هنگام معامله ملکی در بجنورد با قتل یکی از طرفین خاتمه یافت.**
● **قاچاقچی مواد مخدر که در پوشش خرید و فروش احشام، اقدام به توزیع بیج مخدر به صورت عمده می‌کرد توسط پلیس زنجان شناسایی و دستگیر شد.**
● **اعضای باند سارقان به عتف که از عابران پیاده اخاذی می‌کردند، در شیراز دستگیر شدند.**
● **پنج نفر به طرز معجزه‌آسایی از حادثه سقوط خودرو به دره بیج شیطان در محور هراز جان سالم به در بردند. یک نفر نیز در این سانحه کشته شد.**
● **مسوولان بیمارستانی در هند اعلام کردند تا تلاش پزشکان این بیمارستان گلوله مویی به طول ۱/۵ متر پس از چهار سال از داخل معده یک دختر ۱۴ساله خارج شد.**